استظهار رؤیت هلال در ابتدا ای انتهای ماه مبارک در تعبیر «اتمّ صوم‌ه» در روایت اسحاق بن عمار در کلام وحید بهبهانی و سید بحرالعلوم

> **و معنى إتمام الصوم في اليوم المذكور أنّه إن كان لم يفطر بعد نوى الصوم من شهر رمضان و اعتدّ به، و إن كان قد أفطر أمسك بقيّة اليوم تمّ قضاه. و لا استبعاد في إرادة هذا المعنى من لفظ الإتمام إذا دلّت عليه القرينة، و أيّ قرينة أوضح من دلالة السؤال عليه.**

خُب عبارت سید را هم بخوانیم که فرمایش ایشان هم جلو برود. روایت داود رقی هم بودش بود.

به اینجا رسیدیم که ایشان حرف جناب شیخ الطائفه را نپذیرفتند، بعد داشتند از حرف استادشان جواب میدادند. فرمودند: «فیه النظر اما اوّلاً»، بعد فرمودند «فحمل الجواب علیه بعید جدّا، بل لا وجه له»؛ یعنی حمل جواب بر آخر ماه؛ یعنی حمل آن بر سیام ماه مبارک وجهی ندارد. خُب میگوییم روی مبنای شما «اتمّوا الصیام» به چه معنا است؟ وحید فرمودند ما در اینجا مشکل داریم. چرا؟ چون حضرت نهی کردند که روزه نگیر. اتمام موضوع میخواهد. باید صومی محقق یا مفروض باشد تا بگویند «اتمّوا». میخواهند الآن جواب بدهند. در این «و معنی» میخواهند از حرف وحید جواب بدهند.

«و معنى إتمام الصوم في اليوم المذكور أنّه إن كان لم يفطر بعد نوى الصوم من شهر رمضان و اعتدّ به»؛ روز اول است، نیت میکند و قضا هم ندارد. **«و اعتدّ به»؛** یعنی لم یقض. به آن اعتداد میکند و قضا هم ندارد.

«و إن كان قد أفطر»؛ چون ماه را ندیده بود اگر خورده بود، **«أمسك بقيّة اليوم»؛** وجوب! این «وجوب» را من می‌گویم، برای توضیح فرمایش سید عرض می‌کنم. یعنی منظور ایشان این است. «امسک بقیة الیوم وجوب»؛ چرا؟ چون ایشان امر را دال بر وجوب گرفته‌اند. اتفاقا به شیخ الطائفه جواب داده‌اند که امر ظهور در وجوب دارد. از حیث ضوابط فقهی هم مشکلی ندارند. وقتی شما در رؤیت قبل از زوال، قبول کردی که امروز ماه مبارک است، همه می‌گویند تکلیف برای کسی که شرائط وجوب را دارد - نه کسی که شرائط را ندارد - اگر طوری شده که الآن روزه نیست، باید در روز وجوب امساک کند.

یک وقتی در جواهر بودنبال همین گشتم که جمع‌آوری کنم. جاهایی که فقها می‌گویند باید امساک کنید. روزه نیستی، اما باید امساک کنی. این موارد کجاها است؟ تقریبا ضابطه اش این است: هر کس شرائط وجوب را دارد ولی الآن حرام ای جوازا طوری شده که روزه نیست، این جور کسی یجب علیه الامساک بقیة النهار تأدبا. بعضی از مواردش هست که حالت ابهام موضوعی دارد که باید از آن بحث کرد.

شاگرد: اینکه استعمال لفظ در اکثر از یک معنا را قبول ندارند، در «اتمّ صومه» چه می‌گویند؟ آن را مطلق ترک می‌گیرند؟

استاد: یعنی می‌گویند «اتمّ صومه» یعنی «یمسک». در اینجا «اتمّ» به‌معنای «یمسک» است. یعنی صوم در معنای «یمسک» استعمال شده است. وقتی «یمسک» شد با این و آن می‌سازد. جامع گیری کرده‌اند به طوری که لازمه آن استعمال لفظ در اکثر از یک معنا نباشد.

«و لا استبعاد في إرادة هذا المعنى من لفظ الإتمام إذا دلّت عليه القرينة»؛ می‌گویی‌م چه اتمامی است؟ می‌گویند مشکلی ندارد، قرینه داریم که «اتمّ»، آن را تمام کند. اینجا باز اشاره به حرف وحید است. می‌گفتند ما در اینجا صوم مفروض ای محققی ندا‌شتیم! می‌گویند به این صورت داریم که ای خورده ای نخورده، الآن شروع می‌کند. می‌گویی‌م آیا این اتمام شد؟! می‌گویند وقتی قرینه باشد مانعی ندارد. **«و أيّ قرينة أوضح من دلالة السؤال عليه»؛** سؤال صریح در این بود که اشتباه در آخر ماه شعبان است. وقتی صریح در این است پس دیگر مانعی ندارد «اتم صومه» را به‌معنای اول ماه مبارک معنا کنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 28 آوریل 2026 13:44:07 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 آوریل 2026 13:48:31 توسط ... .